

«زن و مطالعات خانواده»

سال پنجم - شماره هفدهم - پاییز 1391

ص ص 147 - 158

تاریخ ارسال: 92/02/18

تاریخ پذیرش: 92/06/30

بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در بازار کار (مطالعه موردی شهر مشهد)

ابوذر نحوی^{1*}
دکتر محمد قربانی²

چکیده

اهمیت اشتغال در عصر کنونی با توجه به گسترش ارتباطات و اطلاعات بر کسی پوشیده نیست. میزان مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی بویژه در جوامع شهری از اهمیت ویژه ای برخوردار است، این روند فرصت ها و چالش هایی را برای زنان و اقتصاد کشورهای متبوعشان ایجاد می کند. هدف از این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در بازار کار شهر مشهد می باشد. بدین منظور پرسش نامه هایی تهیه و در بین 200 نفر از زنان توزیع گردید و با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه 100 پرسش نامه انتخاب گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از روش رگرسیونی لاجیت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از تجزیه و تحلیل داده ها، مشخص گردید که، وضعیت اقتصادی خانوار، تحصیلات، تعداد افراد تحت تکفل، تأهل و استقلال مالی جزء عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت زنان مورد مطالعه در بازار کار شهر مشهد می باشند.

واژه های کلیدی: اشتغال، نرخ مشارکت، مدل لاجیت، مشهد

¹ - دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد پردیس بین الملل Abouzarnahvi@yahoo.com

² - استاد، گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد - ایران

مقدمه

اشتغال زنان در فعالیتهای اقتصادی در چند دهه گذشته و بویژه در جوامع شهری بسیاری از کشورها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این میان مسایلی مطرح شده که به دلیل اهمیت، هدف پژوهش های متعددی قرار گرفته اند. میزان مشارکت زنان در نیروی کار در سراسر جهان در حال افزایش است، این روند فرصت ها و چالش هایی را برای زنان و اقتصاد کشورهای متبوعشان ایجاد می کند (پینکوآرت¹، 2007).

در حالی که در کشورهای پیشرفته زنان سهم خویش را از اشتغال و مشاغل حرفه ای در سطح وسیعی افزایش داده اند، در کشورهای در حال توسعه نقش زنان در بخش کشاورزی، خانه داری و فعالیتهای غیر رسمی بیشتر مشاهده می شود. البته در برخی کشورهای در حال توسعه می توان شاهد افزایش میزان مشارکت زنان در بخش های خدمات و صنعت نیز بود. از جمله عوامل مؤثر بر این روند می توان به تحصیلات بهتر، تغییر در احتیاجات روزمره و صنایع صادراتی و خدماتی اشاره کرد (مقدم²، 2002). مشاهدات حاکی از ارتباط قابل ملاحظه میان جهانی شدن، انعطاف پذیری و افزایش نقش زنان به عنوان یک عامل اساسی تأثیرگذار بر بازار جهانی کار در سراسر دنیا است (استندینگ³، 1999).

در اغلب شهرهای بزرگ ایران نیز، همگام با دسترسی بیشتر زنان به سازمانهای آموزشی، گرایش آنان به اشتغال چشمگیر بوده است.

زنان به عنوان بخش قابل توجهی از جمعیت هر کشور به حساب می آیند و نقشی بسزا در توسعه همه جانبه امور ایفا می کنند، آنها همواره از توزیع ناعادلانه فرصت ها و منابع، بالاخص در کشورهای جهان سوم، رنج می برند. مقدار مشارکت مردان را می توان تابعی از شاخص های اقتصادی و جغرافیایی و بعضا سیاسی دانست، اما حد مشارکت زنان متأثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی و تاحدی چارچوب های قانونی است.

شواهد موجود نشان می دهد که تبعیض جنسیتی در اشتغال و دستمزد همچنان گسترده است. براساس معیارهای فرهنگی در ایران مردان نان آور خانواده هستند و بسیاری از مشاغل در انحصار مردان است، بویژه در وضع بحران اقتصادی. تنها در مشاغلی مانند پرستاری و آموزشی که بیشتر با زنان مرتبط دانسته می شود و در آنها

¹- Pinquart

²- Moghadam

³- Standing

دستمزدها نسبتاً پایین است، احتمال استخدام زنان در هر دو بخش عمومی و خصوصی، از مردان بیشتر است.

آخرین سرشماری ایران در سال 1375 بیانگر آن است که میزان کلی مشارکت از 42/5 درصد در سال 1355 به 35/3 درصد در سال 1375 کاهش یافته است (مرکز آمار ایران، 1375). نتایج بررسی ها در اردیبهشت 1381 نرخ مشارکت را 37/3 درصد نشان می دهد که بیانگر افزایش مختصری در این مقدار است (مرکز آمار ایران، 1381). دلیل عمده پایین بودن میزان مشارکت زنان و مردان در سالهای اخیر را می توان در تحولات ناگهانی جمعیت شناختی دانست که منجر به انفجار بی سابقه جمعیت در دهه 1360 و ظهور گسترده نیروی کار جوان در دهه 1370 شده است.

با این حال امروزه مشاهده می گردد که زنان نیز پا به پای مردان در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی در حال فعالیت می باشند. بطورکلی می توان عمده ترین متغیرهای اثرگذار بر مشارکت زنان را افزایش سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی، سن و... نام برد.

از عوامل مؤثر بر مشارکت نیروی کار زنان تحصیلات، وضعیت اقتصادی، وضعیت تأهل، و تعداد فرزندان می باشد. هر چه سطح تحصیلات زنان افزایش یابد امکان دستیابی آنها به مشاغل صنعتی و خدماتی افزایش می یابد. بنابراین رابطه مثبتی بین تحصیلات و نرخ مشارکت زنان در بازار کار وجود دارد (سلطانا و همکاران، 1994). یافته ها حاکی از آن است که با افزایش سطح دانش زنان، گرایش به فعالیت و نرخ مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنان افزایش می یابد (پینکوارت¹، 2007).

بلکار² و همکاران اثر بدهی خانوار بر عرضه نیروی کار توسط همسران زن را مورد مطالعه قرار دادند. آنها در آزمون اثر بدهکاری بر مشارکت نیروی کار، نشان دادند که بدهکاری شانس مشارکت نیروی کار را افزایش می دهد. همچنین وضعیت اقتصادی بد و بدهی های مادرانی که فرزندان کوچک دارند، اثر بیشتری بر عرضه نیروی کار دارد (بلکار و همکاران، 2007).

زارین³ و همکاران در بررسی مشارکت زنان در پاکستان نشان دادند که وضعیت مالی خانوار، سن زنان، تحصیلات و وضعیت تأهل در میزان مشارکت زنان تأثیر مثبت

¹- Pinquart

²- Belkar

³- Zarin

دارد (غفاری و عمادزاده، 1390). مزایا و میزان مستمری های بازنشستگی می توانند تصمیمات عرضه نیروی کار مشمول بازنشستگی را تحت تاثیر قرار دهند.

بطور کلی ازدواج زنان و قبول مسوولیت خانواده باعث می شود که میزان مشارکت آنها در بازار کار کاهش یابد. در مقابل افراد مجرد به دلیل داشتن فرصت کافی برای فعالیت در بیرون و تأمین هزینه های زندگی خود، نرخ مشارکت بالاتری در بازار کار دارند (غفاری و عمادزاده، 1390).

در مطالعات مختلفی که صورت گرفته است، مشخص گردید که تعداد فرزندان بر تصمیمات زنان برای عرضه کار تأثیرگذار است. افزایش تعداد فرزندان و میزان باروری باعث افزایش فعالیت زنان در منزل شده و در نتیجه منجر به کاهش فعالیت آنان در خارج از منزل می شود.

با توجه به مطالب گفته شده و اهمیت و حضور گسترده زنان در اجتماع، ضرورت انجام این تحقیق مشخص می گردد. هدف از این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان در شهر مشهد می باشد. در این پژوهش تلاش شده به این سؤال پاسخ داده شود که آیا میزان تحصیلات، وضعیت اقتصادی و... بر میزان مشارکت زنان در بازار کار مؤثر می باشند یا خیر؟

کلارک و آنکر¹ (2000) میزان مشارکت نیروی کار مردان و زنان مسن را در سطح بین المللی بررسی کرده اند. نتایج پژوهش آنها نشان می دهد که نرخ مشارکت نیروی کار مردان و زنان با تغییر روند توسعه اقتصادی افزایش می یابد. افزایش درآمد سرانه به کاهش نرخ مشارکت افراد منجر می شود. همچنین با گسترش طرح های تأمین اجتماعی، مشارکت این گروه سنی کاهش می یابد.

صادقی و عمادزاده (1383) با کمک داده های سری زمانی و روش حداقل مربعات معمولی تحصیلات زنان در ایران را به عنوان مهمترین عامل در میزان اشتغال زنان در بازار کار بیان می کنند و نشان می دهند که تحصیلات عالی در زنان، شانس یافتن شغل در بازار کار را برای آنها بالا می برد.

هیل² (2006) در پژوهشی پیمایشی یکی از انجمن های زنان را به عنوان جامعه آماری بررسی کرده و متغیرهایی مانند گروه سنی، وضعیت استخدام، نوع استخدام (تمام

¹- Clark & R. Anker

²- Hill

وقت یا پاره وقت)، تحصیلات، اعضای خانوار، تأهل و صناعی که این زنان را به تفکیک سنی به خدمت گرفته اند، بر میزان مشارکت زنان در بازار کار مؤثر دانسته است. نتایج این پژوهش نشان داد میزان کار پاره وقت زنان با افزایش سن بیشتر می شود و آنها بیشتر به دنبال مشاغل انعطاف پذیرتر هستند.

ریچارد ای برت و همکاران¹ (2009) به بررسی مشارکت نیروی کار زنان و عوامل تعیین کننده آن در مناطق شهری و روستایی چین پرداخته اند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که در مناطق شهری عوامل بازار (یعنی آموزش)، بیشتر از سایر عوامل، نسبت مشارکت نیروی کار زنان را تعیین می کند، در حالی که در مناطق روستایی عوامل اجتماعی و جمعیت شناختی نقش مهمتری در تبیین مشارکت نیروی کار زنان دارد. سهرابی (1375) به بررسی تأثیر آموزش عالی عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص ایران پرداخت. نتایج نشان داد که رشد سریع آموزش عالی باید متناسب با نیازهای جامعه باشد تا بتواند مشکل شکاف بین عرضه و تقاضای نیروی کار را پر کند. با توجه به مطالب فوق فرضیات این تحقیق عبارتند از:

1. وضعیت تأهل زنان در میزان مشارکت آنان در بازار کار مؤثر می باشد.
2. سطح تحصیلات زنان در میزان مشارکت آنان در بازار کار تأثیرگذار است.
3. وضعیت اقتصادی خانوار نقش بسزایی در مشارکت زنان در بازار کار دارد.

ابزار و روش

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. جمع آوری داده ها به روش پیمایشی و با تکمیل پرسش نامه انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل زنان ساکن در شهر مشهد می باشد. تعداد 200 پرسش نامه در بین زنان این منطقه توزیع گردید، که از این بین 127 نفر آنان شاغل بودند. سپس مدل رگرسیون احتمالی لاجیت برای بررسی نحوه تأثیر هرکدام از عوامل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به کار گرفته شد. به منظور افزایش دقت در بررسی داده ها و قابلیت تعمیم نتایج به کل جامعه، با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه، 100 پرسش نامه در این مطالعه به عنوان حجم نمونه تعیین گردید. ویرایش نهایی پرسش نامه را چند تن از صاحب نظران و کارشناسان متخصص در این زمینه تأیید نمودند، بنابراین روایی پرسش نامه، که نقش مهمی در فرایند علمی-

¹ - Richard Ebert

پژوهشی دارد، تأیید می‌شود. یکی از ویژگی‌های فنی ابزار جمع‌آوری داده‌ها (پرسش‌نامه)، پایایی است. مفهوم ذکر شده با این امر سر و کار دارد که ابزار جمع‌آوری داده‌ها در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌آورد.

برای محاسبه ضریب پایایی، شیوه‌های مختلفی به کار برده می‌شود که از آن جمله می‌توان به: اجرای دوباره (روش بازآزمایی)، روش موازی (همتا)، روش تنصیف (دو نیمه کردن پرسشنامه و محاسبه همبستگی نمرات دو دسته) و روش (آلفا کرونباخ) به کمک نرم افزار spss اشاره نمود. که مقدار (α) هر چه به 100% نزدیکتر باشد بیانگر قابلیت بیشتر پرسش‌نامه است. جهت تعیین پایایی پرسش‌نامه در این پژوهش از آزمون آلفا کرونباخ استفاده شد و ضریب آن 0,81 برآورد گردید که نشان دهنده پایایی پرسش‌نامه است.

هدف این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در بازار کار، از طریق الگوی مناسب اقتصادسنجی است. لذا با توجه به اینکه متغیر وابسته در این مطالعه می‌تواند در قالب مقادیر صفر و یک باشد، الگوی لاجیت (Logit) به عنوان الگو اقتصادسنجی به کار گرفته شد.

برای تخمین مدل لاجیت از نرم افزار شازام¹ استفاده شد. قبل از تخمین مدل لاجیت و همچنین بعد از تخمین‌های اولیه، همخطی متغیرها، واریانس ناهمسانی جملات اخلال و تصریح مدل مدنظر قرار گرفت و مشکلی در زمینه موارد مذکور در مورد مدل نهایی وجود نداشت.

تکنیک رگرسیون لجستیک، یک تحلیل چند متغیری است که تمامی عوامل پیش بینی کننده موجود از یک مسأله را بطور همزمان مورد توجه قرار می‌دهد. در رگرسیون لجستیک از مفهومی به نام نسبت برتری (نسبت احتمال وقوع حادثه Pi به احتمال عدم وقوع حادثه 1-Pi) استفاده شده و لگاریتم این نسبت براساس رابطه زیر محاسبه می‌شود. این مدل به مدل لاجیت معروف است (شریفی، 1390).

فرمول 1

$$Y = \ln \left(\frac{pi}{1 - pi} \right) = \sum_{i=1}^n \beta x_i + u_i$$

¹ -SHAZAM

وجود Ln باعث می شود متغیر وابسته هر ارزشی بین بی نهایت مثبت و بی نهایت منفی به خود نگیرد، اما الزاما میزان برآورد شده y عددی بین صفر و یک نخواهد بود. متغیر وابسته در مدل لاجیت یک متغیر مجازی است که به شکل زیر تعریف می شود:

$$y_i = \begin{cases} 0 & \text{عدم مشارکت زنان در بازار کار} \\ 1 & \text{مشارکت زنان در بازار کار} \end{cases}$$

تابع توزیع S شکل لجستیک (شکل سیگموئیدی) را می توان به شکل زیر تبدیل نمود:

فرمول 2

$$P = (y = 1|x) = P_1(X) \frac{1}{1 + e^{-(b^1 x^1 + \dots + b^k x^k)}}$$

مدل لجستیک از منحنی لجستیک پیروی می کند، بدین ترتیب این منحنی براساس داده های واقعی برازش می شود. به داده های واقعی مربوط به متغیر وابسته، براساس اینکه پدیده موردنظر اتفاق افتاده یا اتفاق نیافتاده، دو مقدار صفر و یک اختصاص داده می شود. برتری رگرسیون لجستیک در این است که برای تعیین مقادیر صفر و یک تنها اطلاع از وقوع پدیده موردنظر کافی است. بدین ترتیب از این متغیر وابسته می توان به منظور وقوع یا عدم وقوع پدیده موردنظر استفاده کرد (جلیلی، 1388). این الگو متغیرهای مربوط به مشخصات فردی - اجتماعی و شرایط و ویژگیهای مالی را به عنوان متغیرهای توضیحی مؤثر بر مشارکت زنان در بازار کار در نظر می گیرد، به گونه ای که فرم تبعی آن را می توان به شکل زیر بیان نمود (جلیلی، 1388):

فرمول 3

$$y_i = \alpha_0 + \sum_{i=1}^k \alpha_i x_i + \varepsilon_i$$

که در آن y_i مشارکت زنان در بازار کار و x_i متغیر توضیحی α_m مؤثر بر مشارکت زنان در بازار کار است. متغیرهای توضیحی در این مطالعه عبارتند از: تاهل (X1): متغیر مجازی تاهل برای زنان مجرد 0 و برای زنان متأهل 1 در نظر گرفته شده است.

سن (X2): متغیر پیوسته ای است که میزان سن زنان را نشان می دهد
تعداد افراد تحت تکفل (X3): متغیر پیوسته ای است که نشان دهنده تعداد افراد تحت تکفل می باشد.

دارایی خانوار (X4): متغیر پیوسته ای است که میزان دارایی خانوار را به ریال نشان می دهد.

میانگین ماهانه هزینه زندگی (X5): متغیر پیوسته ای است که میانگین ماهانه هزینه زندگی را به ریال نشان می دهد.

اشتغال همسر (X6): متغیر مجازی است که برای اشتغال همسر عدد 1 و عدم اشتغال همسر عدد 0 در نظر گرفته شده است.

استقلال مالی (X7): متغیر مجازی است که علاقمندی برای داشتن استقلال مالی عدد 1 و عدم علاقه مندی برای داشتن استقلال مالی عدد 0 در نظر گرفته می شود.

سطح تحصیلات (X8): زنانی که دارای مدرک بالایی دیپلم هستند عدد 1 و زنانی که دارای مدرک زیر دیپلم هستند عدد 0 در نظر گرفته شده است .

یافته ها :

اهداف کلیدی این پژوهش، شناسایی و بررسی تأثیر متغیرهای مختلف از جمله ویژگی های اجتماعی، کیفیت زندگی، تحصیلات، تخصص، ویژگی های فردی و شغلی زنان بر میزان مشارکت آنها در بازار کار می باشد.
نتایج تخمین مدل رگرسیون لاجیت در جدول (1) ارائه شده است.

جدول 1. تخمین مدل رگرسیون لاجیت

متغیر	ضریب	انحراف معیار	اثر نهایی
عرض از مبدا	3/61	2/41	0/67
تاهل	-2/10*	0/88	-0/39
سن	-0/25	0/262	-0/04
تعداد افراد تحت تکفل	0/78*	0/40	0/14
دارایی خانوار	-0/14	0/25	-0/02
میانگین ماهانه هزینه زندگی	2/85*	1/35	0/53
اشتغال همسر	1/32	1/19	0/24
استقلال مالی	1/51*	0/62	0/28
سطح تحصیلات	2/33*	1/02	0/43
MCFADDEN R-SQUARE: 0.624 CHOW R-SQUARE: 0.712 GOODNESS OF FIT: 0.85			

مأخذ: محاسبات محقق * : معنی داری در سطح 10%

همان گونه که در جدول (1) ملاحظه می شود، R^2 مک فادن، R^2 چو و معیار خوبی برازش مدل به ترتیب برابر با 0.62، 0.71، 0.85 است که نتایج تمام شاخصهای مذکور حاکی از مناسب بودن مدل در توضیح رفتار متغیرهاست. نتایج نشان داد تنها ضرایب مربوط به متغیرهای تأهل، تعداد افراد تحت تکفل، میانگین ماهانه هزینه زندگی، استقلال مالی و تحصیلات معنادار هستند.

نتایج جدول (1) نشان می دهد که تأهل اثر منفی و معناداری بر میزان مشارکت زنان در بازار کار دارد و اثر نهایی آن برابر -0,39- شده است که نشان دهنده احتمال کاهش 39 درصدی در میزان مشارکت زنان متأهل نسبت به زنان مجرد، در بازار کار، می باشد.

تعداد افراد تحت تکفل نیز اثر مثبت و معناداری بر میزان مشارکت زنان در بازار کار داشته است. نتایج این تحقیق نشان داد که به ازای افزایش هر یک نفر از افراد تحت تکفل، احتمال مشارکت زنان 14% افزایش می یابد.

از دیگر متغیرهای مورد بررسی میانگین ماهانه هزینه زندگی می باشد که این متغیر نیز اثر مثبت و معنی داری بر میزان مشارکت زنان داشته است. این متغیر دارای اثر نهایی نسبتاً بالایی یعنی حدود 0.53 می باشد که نشان دهنده این است که به ازای افزایش هر یک میلیون ریال در میزان هزینه زندگی، احتمال مشارکت زنان در بازار کار 53% افزایش می یابد.

استقلال مالی یکی دیگر از متغیرهای مورد بررسی می باشد که اثر مثبت و مؤثری بر میزان مشارکت زنان داشته است و اثر نهایی آن برابر 0.28 شده است که نشان دهنده احتمال افزایش 28 درصدی در میزان مشارکت زنانی است که علاقه مندی زیادی برای استقلال مالی داشتند نسبت به زنانی که انگیزه کافی برای مستقل شدن نداشتند، می باشد.

نهایتاً سطح تحصیلات زنان نیز اثر مثبت و معنی داری در میزان مشارکت زنان نشان می دهد. اثر نهایی این متغیر برابر 0.43 و نشان دهنده احتمال افزایش 43% در میزان مشارکت زنان تحصیل کرده، نسبت به زنانی است که دارای تحصیلات زیردیپلم، می باشند.

بحث و نتیجه گیری

افزایش مشارکت زنان در فعالیت های خارج از خانه و ایفای نقش های اجتماعی و اقتصادی همواره به عنوان یکی از مهمترین اهداف و استراتژی های دستیابی به توسعه پایدار در یک جامعه می باشد (کتابی و قاسمی، 1381).

همانطور که از یافته های تحقیق مشخص گردیده است، عوامل متعددی از جمله تحصیلات و تخصص افراد، وضعیت تأهل، وضعیت اقتصادی خانوار و موقعیت اجتماعی بر میزان مشارکت زنان در بازار کار مؤثرند. مطالعه انجام شده بر روی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در شهر مشهد نشان داد که وضعیت اقتصادی خانوار نقش بسزایی در میزان مشارکت زنان در بازار کار دارد. با بالارفتن هزینه های زندگی، نیاز به اینکه زنان نیز پا به پای مردان برای تأمین نیازهای خود و خانواده خود تلاش کنند احساس می شود. بدین منظور نیاز به یافتن شغل و کسب درآمد به عنوان هدف عمده و اساسی زنان مطرح می شود. یافته های این تحقیق نشان داد که به ازای افزایش هر یک میلیون ریال در میزان هزینه زندگی، احتمال مشارکت زنان در بازار کار 53% افزایش می یابد که نشان دهنده این موضوع است که وضعیت اقتصادی خانوار مهمترین عامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت زنان در بازار کار می باشد.

امروزه با تغییر نگرش جامعه نسبت به کار زنان و پدید آمدن امنیت شغلی برای آنها و با توجه به افزایش سطح تحصیلات و درصد دانش آموختگان زن، بویژه در مقطع آموزش عالی انتظار می رود میزان مشارکت و عرضه نیروی کار زنان افزایش یابد. نتیجه

پژوهش حاضر نیز نشان داد که مطابق انتظار هرچه سطح تحصیلات زنان در جامعه افزایش یابد، میزان مشارکت آنها در بازار کار نیز افزایش می یابد.

نتایج مطالعات ما در این تحقیق نشان داد که افزایش تعداد افراد تحت تکفل و به تبع آن افزایش میزان هزینه های زندگی می تواند در میزان مشارکت زنان در بازار کار مؤثر باشد. بدین صورت که به ازای افزایش هر یک نفر از افراد تحت تکفل، احتمال مشارکت زنان 14% افزایش می یابد.

فعالیت کاری از نظر سلامت روانی شخص، فعالیت مهمی به حساب می آید و کار وسیله ای است که برای فرد استقلال می آورد و رشد عزت نفس او را مساعد می کند. به گونه ای که پژوهش های انجام شده در این زمینه نشان می دهد، زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه دار استقلال مالی و فکری بیشتری دارند و به طور معنا داری خود را موفق تر، مستقل تر و سخت کوش تر احساس می کنند (خسروی، 1378). مطالعه حاضر نشان داد که انگیزه برای داشتن استقلال مالی به عنوان یکی از عوامل تأثیر گذار در میزان مشارکت زنان در بازار کار می باشد.

زن به عنوان یکی از اصلی ترین ارکان خانواده، دارای نقش اساسی در جهت تداوم و استمرار آن می باشد. زن در محیط خانه، دارای مسوئلیت های زیادی است. اول آنکه زن در نقش همسر قرار می گیرد، بنابراین باید نقش همسری را به بهترین نحو ایفا نماید. دوم، زن دارای نقش مادری است. وظیفه یک مادر تربیت صحیح فرزندان است. بنابراین با توجه به ضرورت و اهمیت حضور زن در کانون خانواده می توان این طور استنباط کرد که تأهل می تواند تاحدی منجر به کاهش حضور زنان در بازار کار شود. نتایج این تحقیق نشان داد که رابطه منفی و معناداری بین تأهل زنان و میزان مشارکت آنان در بازار کار وجود دارد.

مسأله اشتغال زنان پدیده ای است که جامعه ما نیز با آن مواجه شده است و هر روز بر تعداد زنانی که تمایل به اشتغال در بیرون از منزل دارند افزوده می شود. کار زنان جنبه های مختلف زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد.

با توجه به این که در این پژوهش تنها به بررسی برخی از عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان پرداخته شده است و از آنجایی که این زنان برای انجام کار خود با موانع فراوانی روبرو هستند در نتیجه پیشنهاد می شود برای ارزیابی جامع تر و مناسبتر علاوه بر بررسی این موارد، عوامل دیگر نیز مورد توجه و تحقیق قرار گیرند.

منابع:

- صادقی، مسعود و عمادزاده، مصطفی (1383)، "تحلیلی بر عوامل اقتصادی موثر در اشتغال زنان ایران"، پژوهش زنان، 2(1)، 5-22
- سهرابی، حمید (1375)، "آموزش عالی و تقاضای نیروی انسانی مختصر در ایران"، مجله برنامه و بودجه، سال اول، شماره 3، 65-40
- غفاری محمدحسن و عاقلی، لطفعلی (1390)، "بررسی عوامل موثر بر مشارکت و بازنشستگی زنان مسن در بازار کار: مطالعه موردی شهر تهران". مطالعات اجتماعی و روانشناختی زنان، سال 9، شماره 1، 33-54
- کتابی، محمود و قاسمی، وحید (1381)، "نظریه مبادله و مشارکت سیاسی زنان در مراکز شهری استان اصفهان"، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، 35-19، 56
- خسروی، زهره (1378)، "نقش تاهل و اشتغال بر خودپنداره زنان ایران"، زن در یافته های نوین پژوهشی، انتشارات دانشگاه الزهراء، 54-22
- Moghadam, V. (2002), Enhancing Woman's Economic Participation in the MENA Region. in Heba Handoussa and Zafirris Tzannatos, eds., Employment Creation and Social Protection in the Middle East and North Africa, Cairo and New York: The American University in Cairo Press
- Standing, G.(1999), Global Feminization through Flexible Labor: A Theme Revisited. World Development, Vol 27, No 3.
- Pinquart, M., and Schindler, I. (2007), Changes of life satisfaction in the transition to retirement: A latent class approach. Journal of Psychology & Aging 22(4):442-455
- Richard, E. and Wiliam, P. B.(2009), Labor force participation of women in rural and urban China. Rural Sociology 56(1): pp 1-21
- Hill, E. T. (2006), The Labor Force Participation of Older Women: Retired? Working? Both?. Monthly Labor Review, 125(9):39-48
- Belkar, R., Lynne C., and Edwards R. (2007), Labour Force Participation & Household Debt. Reserve Bank of Australia, 51-68